

# تحلیل انتقادی ماده ۲۱۲ قانون مجازات اسلامی

## پیرامون قصاص شرکای قتل عمدی

حمیدرضا ضیغم



### مقدمه

ماده ۲۱۲ قانون مجازات اسلامی اشعار می‌دارد: «هرگاه دو یا چند مرد مسلمان مشترکاً مرد مسلمانی را بکشند ولی دم می‌تواند با اذن ولی امر همه آنها را قصاص کند و در صورتی که قاتل دو نفر باشند به هر کدام از آنها نصف دیه و اگر سه نفر باشند باید به هر کدام از آنها ثلث دیه و اگر چهار نفر باشند باید به هر کدام از آنها ربع دیه را پردازد و به همین نسبت در افراد بیشتر.

تبصره ۱- ولی دم می‌تواند برخی از شرکای در قتل را با پرداخت دیه مذکور در این ماده قصاص نماید و از بقیه شرکاء نسبت به سهم دیه اخذ نماید.

تبصره ۲- در صورتی که قاتلان و مقتول همگی از کفار ذمی باشند همین حکم جاری است.»

در این مقاله برآنیم تا از ماده فوق تحلیلی انتقادی بدست دهیم و مبنای ما در این تحلیل پیش و بیش از هر چیز قرآن کریم به عنوان اولین و مهم‌ترین منبع استنباط احکام در فقه اسلامی خواهد بود.

بر آنیم تا ببینیم آیا ماده قانونی فوق در تمامی فرض قابلیت اجرا آن سان که از محور عدالت به عنوان مهم‌ترین داعی وجود قانون خارج نگردد خواهد داشت.

این تحقیق در دو فصل ارائه می‌گردد که در فصل اول به معنا و مفهوم و ماهیت شرکت در قتل عمدی خواهیم پرداخت و در فصل دوم مجازات شرکت در قتل عمدی در حقوق موضوعه با تحلیل فقهی و قرآنی آن ارائه خواهد شد.

و در پایان به عنوان انگیزه اصلی از طرح مسأله و بحث پیرامون آن نتیجه‌گیری را خواهیم آورد.

● کلیات

برسد. ممکن است از دو نفر شریک جرم یکی عامد باشد و یک خاطی پس هریک کیفر خاص خود را خواهد دید برای شرکت در جرمی تبانی ضرورت ندارد. کیفر شرکت در جرم برابر کیفر مجرم واحد مستقل است معاف شدن یک شریک جرم تأثیری در شرکت در جرم و سزای آن ندارد...»<sup>۲</sup>

### - ماهیت شرکت در قتل عمدی

در مواردی که جنایت ناشی از مداخله عوامل متعددی است هریک به نحوی وقوع آن را موجب شده‌اند در این صورت چنانچه جنایت ارتکابی به همه عوامل مذکور مستند شود مداخله کنندگان تحت عنوان شرکاء در جنایت قابل پیگرد خواهند بود لکن اگر برخی با قصد مشترک مجرم اصلی را در تحقق جنایت یاری کرده باشند با وجود شرایط به عنوان معاون تعقیب می‌شوند.

جنایات غالباً به وسیله یک عامل انسانی و با یک یا چند فعل که از ماهیت یکسانی برخوردار هستند صورت می‌گیرد مانند اینکه به قصد قتل و با انجام یک فعل با اعمال متعدد مرتکب جنایت عمدی شوند.

در مواردی نیز با آنکه فقط یک عامل انسانی در جنایت دخالت داشته‌است لکن ممکن است آن شخص واحد افعال متعددی که از ماهیات متفاوتی برخوردارند، مرتکب شده و جنایت مستند به همه آن اعمال باشد مانند آنکه شخصی به قصد شکار تیری رها کرده اتفاقاً به انسانی اصابت نماید و پس از مشاهده مجروح وی را دشمن دیرینه خود یافته و با کارد خویش جرحی دیگر بر او وارد سازد و به هنگام فرار با اتومبیل، ناخواسته و بدون خطای جزایی، مجدداً به وی صدمه زده و موجب مرگ مجنی علیه گردد. در این صورت چنانچه جنایت ناشی از هر سه فعل باشد، جنایات متعدد و

این فصل در دو مبحث ارائه می‌گردد. معنا و مفهوم شرکت در مبحث اول و ماهیت شرکت در قتل عمدی در مبحث دوم این فصل خواهد آمد.

### - معنا و مفهوم شرکت

#### معنای لغوی شرکت

علمای لغت «شرکت» را اینگونه تعریف کرده‌اند: «شریک شدن، انباز گشتن، همدست شدن در کاری. اجتماع حقوق مالکان متعدد در یک شیئی به نحو اشاعه»، شرکت‌های تجاری مذکور در قانون تجارت.<sup>۱</sup>

#### معنای اصطلاحی شرکت در قتل عمد

علمای حقوق «شرکت در جرم» را اینگونه تعریف کرده‌اند: «از تکاب جزئی از اجزای جرم بوسیله انسانی به طوری که از جمع اعمال دو یا چند نفر جرم محقق گردد مانند اینکه کسی دست و پای مقتول را ببندد و دیگری او را خفه کند شکافتن دیوار خانه برای سرقت از اجزای جرم سرقت نیست پس اگر چند نفر دیوار را شکافتند و یکی مال را از حرز بیرون کند همان یک نفر سارق است و باقی معاون جرم‌اند در باب شرکت در جرم فرقی بین عمد و شبه عمد و خطانیست مانند اینکه دو نفر دیوار متمایل را به غیر عمد بلغزانند و ثالثی به قتل

### چکیده:

بر مبنای ماده ۲۱۲ قانون مجازات اسلامی ولی دم می‌تواند شرکای قتل عمدی را با پرداخت نسبتی از دیه قصاص نماید، این مقاله ضمن تحلیل ماده مذکور، بر اساس آیات قرآن کریم، روایات و اقوال فقها در این زمینه این ماده را به نقد می‌کشاند.

### کلید واژه‌ها:

ماده ۲۱۲ قانون مجازات اسلامی، شرکت در قتل، مجازات شرکای قتل عمدی، قصاص

گواه

یا عناوین مختلف به نوعی در وقوع مرگ مشارکت داشته است. از این رو با آنکه جنایت تنها مستند به یک عامل انسانی است اما هر فعل اثر مخصوص خود را داشته و مسئولیتی متناسب با ماهیت آن خواهد داشت چرا که افعال جانی هر یک دارای عنوانی متمایز از دیگری بوده شامل عناوین مختلف خطای محض عمد و شبه عمد است. بنابراین فقط ثلث جنایت عمدی قلمداد شده و پس از اخذ ۱/۳ دیه از عاقله و پرداخت آن به جانی امکان قصاص وی فراهم گردد.

لکن باید توجه داشت مراد از شرکت در جرایم مشارکت عوامل متعدد در وقوع جرم بوده و شامل موارد مذکور نمی گردد.

بطور خلاصه می توان ارکان شرکت را بدین صورت با عنایت به مواد ۲۱۴، ۲۱۵ و قانون مجازات اسلامی نام برد:

- وجود عوامل متعدد  
- هم عرض بودن عوامل متعدد  
- اسناد جرم به همه شرکاء: بدین معنا که تفکیک شرکاء از یکدیگر به عنوان «مجرم اصلی» و شریک غیر قابل توجیه است.<sup>۳</sup>

### ● مجازات شرکای قتل عمدی

- مجازات شرکت در قتل عمدی در حقوق موضوعه ایران:

هریک از شرکاء با توجه به عنوان جنایتی که از او صادر شده است و متناسب با سهم خویش مسئولیت خواهد داشت پس اگر پدری در قتل عمدی فرزند خود با بیگانه مشارکت کند پدر محکوم به تعزیر است و نصف دیه را می پردازد و از قاتل دیگر با رد نصف دیه به وی قصاص می گردد و اگر چند نفر بیگانه به طور عمد مرتکب جنایت شده باشند در صورت مطالبه اولیای دو همگی محکوم به قصاص می شوند به عبارت دیگر ولی دم مخیر است بین قصاص همه آنها بعد از رد زائد از دیه مقتول و یا کشتن یکی از آنها.<sup>۴</sup>

در تأیید این نظر علاوه بر آنکه فقهای چون مرحوم صاحب جواهر ادعای اجماع کرده اند، چنین استدلال شده است که:

- کیفر قصاص برای حفظ دماء تشریح شده و اگر شرکت سبب دفع قصاص از بزهکار باشد موجب سوء استفاده جانین می گردد و راهی خواهد بود برای جنایت و فرار از قصاص

- صدق عرفی عنوان قاتل بر هر یک از شرکاء.<sup>۵</sup>

البته برخی هم در قصاص همه شرکای قتل

احتیاط کرده اند و ادله ای در اثبات عقیده خود اقامه کرده اند که بحث تفصیلی آن در مبحث بعد خواهد آمد

### - بررسی فقهی و قرآنی مجازات شرکت در قتل عمدی

در این مبحث به بررسی موضوع در منابع اسلامی می پردازیم. در صدر این مبحث یادآور می شویم که مواد قانون مجازات اسلامی در این پیرامون از رأی مشهور فقهی تبعیت نموده اند و ما برآنیم تا با نگاهی اجمالی به منابع اسلامی تحلیلی انتقادی از رأی مشهور بدست دهیم.

#### - تحلیل موضوع در فقه امامیه

ابتدا به نقل نظر حضرت امام خمینی ره در تحریر الوسیله می پردازیم توضیح این مسأله لازم است که به ظاهر متن ماده قانونی مورد بحث مستنبط از آن است.

ایشان در مسأله ۴۴ از کتاب القصاص القسم الاول فی قصاص النفس - القول فی الموجب می فرمایند: «لواشترک اثنان فمآزاه فی قتل واحد اقتض منهنم لذا اراد الولی فیرد علیهم ما فضل من دیه المقتول فیأخذ کل واحد ما فضل عن دیته فلو قتلہ اثنان و اراده القصاص بودی لکل منهنما نصف دیه القتل ولو کانوا ثلاثه فکلک ثلاثا دیته و هكذا و للولی ان یقتص من بعضهم و یرد الباقون المبروکون دیه جنایتهم الی الذی اقتص منه ثم لو فضل للمقتول او المقتولین فضل عمارده شرکاء هم قام الولی به و یرده السهم»<sup>۶</sup>

چنانچه دو نفر یا بیشتر در قتل یک نفر شرکت داشته باشند اگر ولی دم بخواهد همه را قصاص می کند و زائد بر دیه هر کدام از آنها را می پردازد.

مرحوم صاحب جواهر در این مسأله ادعای اجماع نموده می فرمایند: «اذا اشترک جماعه فی قتل واحد قتلوا به الولی بالخیار بین قتل الجمع بعد ان یرد علیهم ما فضل عن دیه المقتول فیأخذ کل واحد منهنم ما فضل من دیته عن جنایته و بین قتل البعض و یرد الباقون دیه جنایتهم».<sup>۷</sup>

سپس با ادعای اجماع فقها براین نظر می فرمایند: «بلا خلاف اجده فی شیئی من ذالک بل الاجماع بقسمته علیه» نظر مخالفی در مورد این مسأله نمی بینم بلکه اجماع، از دونوعش (محصل و منقول) بر این مسأله وجود دارد.<sup>۸</sup>

سپس استدلال می کنند به «معلومیه کون شرع القصاص لحق الدماء» و «الی صدق

کون المجموع قاتلاً فیندرج فی قوله تعالی و من قتل مظلوما فقد جعلنا لولیه سلطاناً» سپس در مورد ادامه آیه که می فرماید: «ولا یسرف فی قتل» بیان می دارند که ولی دم از اسراف در قتل نهی شده و شاید از مصادیق اسراف قصاص تمامی قاتلان بدون رد مآزاد دیه آنها بر جنایتشان باشد و ظهور نص را دلیل مسأله می دانند.<sup>۹</sup>

سپس در قسمتهای دیگر می فرمایند: «فلو قتل الولی الاثنین مثلاً کان المساوی لحقه واحداً مرکباً منهنما او علی کل واحد منهنما نصف نفس فیقی لکن واحد منهنما علیه نصف نفس لا تدارک لها الا بالذیه فیرده علی ولی کل منهنما نصف دیه و هكذا فی الثلاثیه فصاعداً...»<sup>۱۰</sup>

که ایشان تساوی نفوس را با دیه قابل تدارک می دانند سپس در خاتمه بحث اجتهادی و قبل از نقل روایت در این باب می فرمایند «وعلی کل حال فلا اشکال فی الحکم المزبور عندنا لقاعده لا ضرر ولا ضرار منضمه الی عموم ادله القصاص و الاجماع بقسمیه علیه و للنصوص المستفیضه».

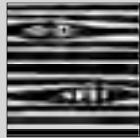
دلایل مرحوم صاحب جواهر که مستند فتوای ایشان می باشد عبارتند از:

۱- قاعده لا ضرر و لا ضرار ۲- عموم ادله قصاص ۳- اجماع بر مسأله (دو قسم آن) ۴- نصوص مشهوره

حال می پردازیم به نقد و بررسی هریک از ادله فوق.

اما در مورد قاعده لا ضرر که مستند حکم این فقیه بزرگوار و موافقین ایشان است باید گفت اتفاقاً به همین دلیل و به استناد همین قاعده ما قائل به این هستیم که در مقابل یک نفس معصومه مکافئه بیش از یک نفس هدر نمی باشد چه آنکه طبق این حکم اگر ۱۰۰ نفر یک نفر را بکشد ولی دم مقتول می تواند همه آنها را قصاص کن با پرداخت ۹۹ درصد دیه کامل به هر کدام از آنها. و نیز با توجه به اینکه دیه ضمانت اجرایی مالی برای حفظ دماء است نه قیمت یک انسان و نیز با عنایت به اختلاف سطوح افراد از نظر مالی در یک جامعه آیا حکم به جواز قصاص ۱۰۰ نفر در برابر کشتن یک نفر صحیح است؟ و آیا می توان دیه را جبران کننده فاصله ۱ نفر تا صد نفر دانست؟

سؤال دیگر اینست که حد یقف در این تعداد چند نفر است و تا چند نفر را می توان با این حکم قصاص کرد؟ پس ولی دمی که در برابر قتل یک نفس صد نفس را قصاص کرده است از قاعده لا ضرر تخطی نموده است به اضافه آنکه قاعده احتیاط در دماء نیز به کمک ما



آیا عموم آیه مبارکه  
(و کتبنا علیهم فیها  
ان النفس با النفس)  
که می فرماید در آن  
کتاب (تورات) بر بنی  
اسرائیل حکم کردیم  
که نفس را در برابر  
نفس قصاص کنند ،  
دلالتی خلاف رأی  
مشهور نمی کند ؟

جلّ یقول ، و من قتل مظلوماً فقد جعلنا لولیه  
سلطاناً فلا یسرف فی قتل . روایت قاسم بن  
عروه از امام صادق (ع) که فرمودند هرگاه عده  
ای بر قتل واحدی اجتماع کنند حاکم حکم  
می دهد که ولی دم هر کدام را که میخواهد  
قصاص کند و آنها نمی توانند بیشتر از یک  
نفر را قصاص کنند بدرستی که خداوند می  
فرماید هر که مظلومانه کشته شود ولی او را  
صاحب اختیار قرار دادیم پس نباید در قتل  
اسراف نماید.<sup>۲۱</sup>

شیخ طوسی در این روایت این عبارت را نیز  
نقل نموده است : (واذا اُقتل ثلاثة واحداً خیر  
الوالی ای الثلاثة شاء ان یقتل و یضمن الآخران  
ثلثی الدیه لورثه المقتول)<sup>۲۲</sup>  
فقهها در پاسخ به این روایت فرموده اند :  
اولاً مشهور به این روایت عمل نکرده اند .  
پس نمی توان به آن عمل نمود ثانیاً وثاقت  
قاسم بن عروه ثابت نیست و علمای رجال  
نه او را مدح کرده و نه مورد ذم قرار داده اند  
. ثالثاً شیخ طوسی آن را نخست حمل بر تقیه  
کرده و دوم حمل بر موردی نموده است که  
ولی دم نخواسته باشد تفاوت دیه بیش از یک  
نفر را پرداخت نماید .<sup>۲۳</sup>

مرحوم صاحب جواهر که سه روایت از جمله  
روایت معارض با رأی مشهور را نقل کرده اند  
بیان می دارند : (ولکنه شاذٌ قاصر عن معارضه  
غیره من وجوه فلحیمل علی الذنب او التقیه  
او غیرهما)  
کما اینکه این نظر را منسوب به بعض عامه  
می کنند و می فرمایند (و علی کل حال فما  
عن بعض العامه من انه لیس للولی الا قتل  
واحد منهم و يأخذ حصه الآخرین و لا یقتل  
الجمیع ، واضح الفساد عندنا و ان کان مرویاً  
فی طرقتنا) . و سپس به نقل روایت مذکور  
می پردازند .

ایشان پس از ذکر روایت دو قول دیگر را به  
عنوان شاذ مطرح می کنند .

یکی : استحقاق ولی دم به قصاص هر تعداد  
از قاتلین که بخواد به طور مجانی و بدون ردّ  
دیه مازاد بر یک نفر همانگونه که اگر جماعتی  
یک نفر را قذف کنند آن شخص می تواند از  
همه آنها استیفای حد نماید .

دیگری : عدم استحقاق ولی دم به قصاص به  
آن معنی که ولی دم مستحق قصاص ۱۰ نفر  
در برابر ۱۰ نفر است .<sup>۲۴</sup>

در دفاع از روایت چهارم باید گفت اولاً عمل و  
عدم عمل مشهور به روایتی در صورت صحت  
سند تأثیری در اعتبار و حجیت آن ندارد .

ثانیاً قاسم بن عروه هر چند به وثاقت او تصریح  
نشده است اما عملاً روایات او را روات و

انفراد برای کشتن مقتول و تلف او کافی  
باشد .<sup>۱۶</sup>

دلیل چهارم مرحوم صاحب جواهر نصوص  
مشهوره است . پیش از این در بحث عموم  
ادله قصاص پیرامون آیات قرآن در این باب  
بحث شد و هم اکنون به بررسی نصوص  
روائی می پردازیم .

### بررسی روایات خاصه

روایات خاصه در این مسأله چهار روایت می  
باشند که سه روایت از آنها دلالت بر عدم جواز  
قصاص بیش از یک نفر دارند .<sup>۱۷</sup> که ما ذیلاً هر  
چهار روایت را نقل می نمایم . از این چهار  
روایت سه روایت موافق رأی مشهور است و  
یک روایت با آن معارض می باشد .

۱- محمد بن علی بن الحسین باسناده عن  
داوود بن سرحان عن ابی عبدالله علیه السلام فی  
رجلین قتلار رجلاً قال ان شاء اولیاء المقتول ان  
یؤد وادیه و یقتلوهما جمیعاً قتلواهما .<sup>۱۸</sup> روایت  
محمد بن علی حسین از داوود بن سرحان از  
امام صادق (ع) در مورد دو مردی که یک  
مرد را کشته بودند ؛ امام فرمود اگر اولیای  
مقتول بخواهند رد دیه نموده و هر دوی آنها  
را قصاص نمایند می توانند .

۲- روایت عبدالله بن مسکان از امام صادق  
در مورد دو مردی که یک مرد را به قتل می  
رسانند امام می فرماید (ان اراد اولیاء المقتول  
قتلها ادوا دیه کامله و قتلوهما و تکون الدیه  
بین اولیاء المقتولین فان اراد و اقبل احدهما  
قتلوه و ادی المتروک نصف الدیه الی اهل  
المقتول و ان لم یؤد دیه احدهما و لم یقتل  
احدهما قبل الدیه صاحبه من کلیمها و ان قبل  
اولیاءه کانت علیهما) . اگر اولیای مقتول قتل دو  
نفر را خواستند دیه کاملی می پردازند و آنها  
را می کشتند و دیه بین اولیای آنها تقسیم می  
شود و هرگاه خواستند یکی از آنها را بکشند  
او را قصاص نموده و نصف دیه به اولیای او  
پردازند .<sup>۱۹</sup>

۳- روایت فضل بن یسار از ابو جعفر علیه السلام  
که از امام باقر سؤال می کند ده نفر یک نفر  
مرد را به قتل رسانده اند حکم آن چیست ؟  
حضرت می فرماید : (ان شاء اولیاءه قتلوهما  
جمیعاً و عزمو تسع دیات و ان شاء و اتخیر و  
ارجلاً قتلوه و ادی التسعه الباقون الی اهل  
المقتول الاخیر عشر الدیه کل رجل منهم قال  
ثم الوالی بعد یلی ادبهم و حبسهم) .<sup>۲۰</sup>

۴- عن القاسم بن عروه عن ابی العباس و غیره  
عن ابی عبدالله قال : اذا اجتمع العده علی قتل  
رجل واحد حکم الوالی ان یقتل ایهم تشاؤ و  
ولیس لهم ان یقتلوا اکثر من واحد ان الله عز و

می آید و حکم به چنین مسأله ای را مشکل  
می نماید .

دلیل دوم مرحوم صاحب جواهر عموم ادله  
قصاص است . فقها عام را اینچنین تعریف  
کرده اند : (العام هو لفظ شامل لجميع الافراد  
الی تحته)<sup>۱۱</sup>

عام عبارتست از لفظی که تمام افراد و مصادیقی  
را که تحت آن قرار دارد شامل می شود . آیا  
با این تعریف عموم آیات مبارکه (و من قتل  
مظلوماً فقد جعلنا لولیه سلطاناً)<sup>۱۲</sup> و (ولکم  
فی القصاص حیه یا اولی الالباب)<sup>۱۳</sup> دل بر  
حکم به مسأله با کیفیت مذکور می باشد ؟ چه  
آنکه آیات فوق نه تنها اثبات ادعای مشهور را  
نمی کنند بلکه ادامه آیه مبارکه ۳۳ سوره اسراء  
که می فرماید (ولا یسرف فی القتل) قرینه  
ای است برخلاف نظر مشهور . که بر مبنای  
این آیه شریفه برخی مفسرین عقیده دارند که  
ولی دم نمی تواند چند نفر را بجای یک نفر  
قصاص نماید .

سوالی که ما از قائلین به رأی مشهور داریم  
اینست که آیا عموم آیه مبارکه (و کتبنا علیهم  
فیها ان النفس با النفس)<sup>۱۴</sup> که می فرماید در آن  
کتاب (تورات) بر بنی اسرائیل حکم کردیم که  
نفس را در برابر نفس قصاص کنند ، دلالتی  
خلاف رأی مشهور نمی کند ؟

دلیل سومی که مرحوم صاحب جواهر مطرح  
می کند اجماع می باشد باید گفت اجماعی که  
مستند به استنباط فقها از دلیل های اجتهادی  
باشد که آثار اجماع مدرکی می گویند حجت  
نیست زیرا چنین اجماعی کاشف از رأی  
معصوم نخواهد بود .

نیز مجتهد نمی تواند بگوید چون مسأله  
اجماعی است می پذیریم زیرا در حقیقت  
تقلید از فقهای سابق است . و تقلید برای  
مجتهد جایز نیست .

البته شیخ طوسی هم در کتاب الخلاف - کتاب  
الجنایات مسأله ۱۴ بر این مسأله ادعای اجماع  
نموده است که البته ایشان به عنوان اولین دلیل  
اجماع را مطرح می کنند (دلینا اجماع الفرقة  
و اخبارهم و ایضاً ...) البته شیخ رأیی را نقل  
می کند بر آنکه (لا یقتل جماعه لواحد و لا تقطع  
ایدی بیدی) سپس با استناد به اینکه مصدر این  
رأی قیاس است آنرا رد می کند .<sup>۱۵</sup>

شیخ الطائفه با دو شرط حکم به قصاص تمامی  
شركاء قتل می نماید که عبارتند از :

۱- هر کدام از آنها (قتله) در برابر مقتول  
مکافئی باشند مثلاً پدر مقتول در میان قاتلین  
نباشد یا مقتول کافر و شریک قتل او مسلمان  
نباشد .

۲- اینکه جنایت هر کدام از آنها در صورت

روایت قاسم بن عروه از امام صادق (ع): فرمودند هرگاه عده‌ای بر قتل واحدی اجتماع کنند حاکم حکم می‌دهد که ولی دم هر کدام را که می‌خواهد قصاص کند و آنها نمی‌توانند بیشتر از یک نفر را قصاص کنند بدرستی که خداوند می‌فرماید هر که مظلومانه کشته شود ولی او را صاحب اختیار قرار دادیم پس نباید در قتل اسراف نماید

محدثین مورد عنایت قرار داده‌اند و اگر وی شخص موثقی نبود بزرگان حدیث نظیر ابن ابی عمیر به روایت او اعتنایی نداشتند. ثالثاً حمل روایت بر تقیه در صورتی است که مرجع قرآنی در روایت وجود نداشته باشد نه اینکه مانند روایت فوق حکم مذکور در آن معلل به عدم جواز اسراف در قتل است که در قرآن نیز آمده است و از این حیث با قرآن مطابقت دارد و بدین لحاظ صحت سند به اضافه مطابقت با قرآن و مرجع قرآنی ایجاب می‌کند که این روایت بر روایات معارض که سه روایت فوق بودند مقدم باشد.

اگر روایات وارده در این باب را معارض بدانیم و روایت ابو العباس را مقدم نداریم باید قائل به تعارض و تساقط باشیم و با فرض تساقط و عدم وجود اطلاق و یا عمومی که دال بر جواز قصاص باشد مقتضای اصل عدم جواز قصاص می‌باشد و اگر چنین اصلی را بپذیریم لازم است طبق قاعده الحدود تدرء با شبهات و قاعده احتیاط در دماء عمل نموده و از حکم قصاص بیش از یک نفر خودداری نمائیم مضافاً بر اینکه عقل سلیم نمی‌تواند چنین حکمی را بپذیرد مخصوصاً آنگاه که شرکاء قتل بسیار باشند زیرا در این صورت قصاص همه آنها مصداق بارز اسراف در قتل می‌باشد که با عدل و قسط اسلامی هماهنگی ندارد.<sup>۲۵</sup>

شافعی در این مسأله همانند فقهای امامیه فتوا داده است.<sup>۲۶</sup> قبل از پرداختن به تحلیل قرآنی و تفسیری پیرامون موضوع مورد بحث لازم به ذکر است که از میان فقهای عظام مرحوم سید احمد خوانساری پذیرش رأی مشهور را مواجه با اشکال دانسته‌اند و به همان دلایلی که ذکر شد در قصاص همه شرکای قتل احتیاط کرده‌اند.<sup>۲۷</sup>

### بررسی موضوع در قرآن کریم و کتب تفسیر

در قرآن کریم آیات مختلفی پیرامون مبحث قصاص وجود دارد لکن آیه‌ای که بطور مستقیم می‌تواند برای اثبات مدعای ما مورد استشهاد قرار گیرد آیه ۳۴ سوره مبارکه اسراء می‌باشد که می‌فرماید: «ولا قتلوا النفس التي حرم الله الا بالحق و من قتل مظلوماً فقد جعلنا لوليه سلطاناً فلا يسرف في القتل انه كان منصوراً» مرحوم طبرسی در مجمع البیان ذیل این آیه شریفه در مورد عبارت (فلا يسرف في القتل) می‌فرماید: فاعل يسرف می‌تواند بر دو وجه باشد:

۱. قاتل اول که تقدیر کلام آن است که قاتل

در قتل اسراف نکند.

۲. احتمال دومی که مرحوم طبرسی در مورد ضمیر فعل (يسرف) در آیه فوق داده‌اند از ولی دم مقتول است و اسراف او، اینست که کسی غیر از قاتل یا کسانی بیشتر از قاتل ولی خود را بکشد که مشرکین عرب این کار را می‌کردند پس تقدیر کلام آن است که (لا يسرف اولی فی القتل) چرا که ولی دم منصور است به کشتن قاتل ولی خود و قصاص نمودن از قاتل او.

البته عبارت شریفه فوق (ولا تسرف في القتل) هم خوانده شده است که به این اعتبار دو احتمال می‌رود:

۱- آنکه خطاب به مبتدی قتل ظالمانه باشد و به او خطاب شود (لا تسرف ايها الانسان فتقتل ظلماً لمن ليس لك قتله ان من قتل مظلوماً كان منصوراً باخذ الفصاص له). که ای انسان اسراف نکن بهاین معنی که بکشی کسی را که شایسته قتل نیست. بدرستیکه هر که مظلومانه کشته شود منصور می‌باشد به اجرای قصاص بخاطر خونش.

۲- آنکه خطاب به ولی باشد. پس به این اعتبار تقدیر کلام این است که (لا تسرف ايها الولي في القتل فتتعدى قاتل وليك الي من لم يقتله ان المقتول ظالماً كان منصوراً... اي ولي دم! در قتل اسراف نکن به این معنا که تعدی و تجاوزی نمایی در قصاص قاتل و لیت تاجایی که قصاص نمایی از کسی که قاتل نبوده است. بدرستیکه کسی که کسی که قاتل نبوده است. بدرستیکه کسی که مظلومانه کشته شود مظلوم است.<sup>۲۸</sup>

مرحوم علامه طباطبائی در تفسیر آیه فوق می‌فرماید: و در فرمایش (و من قتل مظلوماً فقد جعلنا لوليه سلطاناً فلا يسرف في القتل انه كان منصوراً) مراد از جعل سلطان برای ولی تسلیط اوست شرعاً بر قتل قاتل ولی خود به صورت قصاص و ضمیر در جمله (فلا يسرف في القتل) و (انه) به ولی دم برمی‌گردد و مراد از منصور بودن او تسلیط شرعی مذکور است که او دارا می‌باشد. و معنی آیه آنست که هر که مظلومانه کشته شد پس به جوب تشریح برای ولی او که در واقع ولی دم اوست سلطنت قرار دادیم و در قصاص یا گرفتن دیه یا عضو او را مخیر کردیم.

پس ولی دم در قتل اسراف نمی‌کند به آن معنی که کسی غیر قاتل را یا بیشتر از یک نفر را قصاص نماید پس به درستی که او منصور است. پس قاتل را از او گریزی نیست چرا که ما او را نصرت و یاری می‌نمائیم و یا اینکه

او نباید به اعتماد ما اسراف در قتل کند و نیز بعضی از علما احتمال داده‌اند که مرجع ضمیر (فلا يسرف) قاتل است به دلالت سیاق کلام و همچنین ضمیر (انه) به (من) برمی‌گردد و معنی آیه به این صورت است که (برای ولی مقتول سلطنت قرار دادیم پس قاتل اول در قتل اسراف نکند [اقدام به قتل ظالمانه نکند] که مقتول مظلوم از ناحیه ما یاری می‌شود زیرا برای ولی او سلطنت قرار دادیم) که البته این معنی از سیاق کلام بعید است.<sup>۲۹</sup>

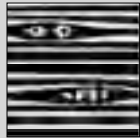
### نتیجه‌گیری

با توجه به مباحث مطروحه ضروری می‌نماید علمای معزز فقه و حقوقدانان گرامی بر مبنای اصول و قواعد فقه و حقوق جزا از جمله قاعده احتیاط در دماء و «الحدود تدرء عند الشبهات» و روایاتی از معصومین در این باب که با نص قرآن کریم تأیید می‌گردند بخصوص آیه شریفه «ولا يسرف في القتل» و همچنین اصولی چون تفسیر مضیق قوانین جزایی در این مسأله فوق‌العاده حساس که با جان افراد مرتبط است جانب احتیاط را روا دارند به علاوه آنکه نظر مطرح شده هر چند نظر مشهور نیست اما از سوی عده‌ای از فقها بخصوص فقهای متأخر و نیز مفسرین بزرگی مانند مرحوم علامه طباطبائی (ره) اظهار شده است و لازم است نهادهای تقنینی و قضائی کشور بخصوص قوه قضائیه و کمیسیون حقوقی و قضائی مجلس شورای اسلامی با تهیه طرحها و لوایح مناسب در جهت گسترش هرچه بیشتر عدالت که زیباترین آرمان جامعه بشری و هدف بعثت پیامبران الهی می‌باشد تلاش کنند که باز ایجاد زمینه برای چنین حرکت‌های اصلاحی رسالتی است بر دوش علمای فقه و حقوقدانان شجاع که با ارائه نظریات مستدل خویش فضای علمی کشور را رونق بخشند.

### منابع

عربی

- ۱- قرآن مجید - اسراء آیه ۳۳ - مانده ۴۵ - بقره ۱۷۹.
- ۲- الامام الخميني - السيد روح الله - تحرير الوسيله، ۲ مجلدات - موسسه النشر الاسلامي.
- ۳- حرعالملي - محمد بن الحسين - وسائل الشيعه الي تحصيل مسائل الشريعه - موسسه اسماعيليان - قم - ۱۴۰۸ هـ.ق / جلد ۱۹ ص ۳۱، ۳۰.
- ۴- نجفی - محمدحسن - جواهر الکلام فی شرح شرايع الاسلام - بيروت - دار احيا - التراث العربي



قاعده احتیاط در  
دماء و «الحدود تدرء  
عند الشبهات» و  
روایاتی از معصومین  
در این باب که با نص  
قرآن کریم تأیید می  
گردند بخصوص آیه  
شریفه «ولا یسرف  
فی القتل» و همچنین  
اصولی چون تفسیر  
مضیق قوانین جزایی  
در این مسأله لازم می  
گرداند که در این امر  
فوق العاده حساس که  
با جان افراد مرتبط  
است جانب احتیاط را  
روا داشته شود .

ص ۱۲۸ -

- ۱۸- حرعاملی - الامام الشیخ محمد بن الحسن  
- وسائل الشیعه الی تحصیل الشریعه - دار احیاء  
التراث العربی - بیروت - ص ۲۹ حدیث ۱  
۱۹- همان ، حدیث ۴  
۲۰- همان - حدیث ۶  
۲۱- همان - حدیث ۷  
۲۲- همان - حدیث ۸  
۲۳- مرعشی - محمد حسن - دیدگاههای نو در  
حقوق کیفری اسلامی - ص ۱۳۰  
۲۴- جواهر الکلام - ص ۶۹  
۲۵- مرعشی - آیت ا... سید محمد حسن - همان  
ص ۱۳۰  
۲۶- به نقل از شیخ طوسی - کتاب الخلاف  
ص ۳۴۶  
۲۷- به نقل از صادقی - دکتر محمد هادی - جرایم  
علیه اشخاص ص ۲۳۸  
۲۸- الطبرسی - الشیخ ابوعلی الفضل بن الحسن  
- مجمع الیبان فی تفسیر القرآن - مطبعه العرفان  
- ۱۴۰۳ هـ . ق - صیدا - سوریه - المجلد الثالث  
ص ۴۱۳  
۲۹- الطباطبائی - الاستاد العلامة السید محمد  
حسین - المیزان فی تفسیر القرآن - الجزء الثالث عشر  
ص ۹۴-۹۵ دار الکتب الاسلامیه - ۱۳۷۲



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

چاپ هفتم ، بی تا - ج ۴۲ ص ۶۶  
۵- طوسی - ابی جعفر محمد بن الحسن - تهذیب  
الاحکام - فی المجلد العاشر - ص ۲۱۸  
۶- الطباطبائی - الاستاد العلامة السید محمد حسین  
- دار الکتب الاسلامیه - ۱۳۷۲ هـ . ش - الجزء  
الثالث عشر - ص ۹۴-۹۵  
فارسی

- ۱- مرعشی - آیت ا... سید محمد حسن - دیدگاههای نو  
در حقوق کیفری اسلامی - نشر میزان - پاییز ۷۶  
۲- شامبیاتی - هوشنگ - حقوق کیفری اختصاصی  
- جلد اول - نشر ویستار  
۳- صادقی - دکتر محمد هادی - جرائم علیه اشخاص  
- نشر میزان  
۴- گلدوزیان - دکتر ایرج - محشای قانون مجازات  
اسلامی - ۱۳۸۲ هـ . ش - مجمع علمی و فرهنگی  
مجد

□ پانویست ها :

- ۱- دکتر محمد معین ، فرهنگ فارسی ؛ جلد دوم  
د- ق ، موسسه انتشارات امیرکبیر - تهران ۶۳  
ص ۲۰۳۹  
۲- دکتر محمد جعفر جعفری لنگرودی ، مسوط در  
ترمینولوژی حقوق - جلد سوم ص ۲۲۸۵ - کتابخانه  
گنج دانش - چاپ اول - ۱۳۷۸  
۳- صادقی - دکتر محمد هادی - جرائم علیه اشخاص  
- نشر میزان - پاییز ۷۶ - ص ۲۳۰-۲۲۶  
۴- محقق حلی - شرایع الاسلام ، ج ۴ ص ۲۰۲ به نقل  
از صادقی - دکتر محمد هادی - جرائم علیه اشخاص ؛  
۵- صادقی - محمد هادی - جرائم علیه اشخاص  
ص ۲۳۷  
۶- حضرت امام خمینی - ترجمه تحریر الوسیله -  
جلد چهارم - ص ۲۸۴  
۷- نجفی - محمد حسن - جواهر الکلام فی شرح  
شرایع الاسلام - بیروت - دار احیاء التراث العربی  
- ج ۴۲ ص ۶۶  
۸- همان  
۹- همان  
۱۰- همان  
۱۱- حیدری - علامه علی نقی - اصول استنباط -  
ترجمه و شرح عباس زراعت و حمید مسجدسرائی  
- ص ۱۲۱ - نشر فیض  
۱۲- اسراء ۳۳  
۱۳- بقره ۱۷۹  
۱۴- مائده ۴۵  
۱۵- الطوسی - شیخ الطائفه الامام ابی جعفر محمد بن  
الحسن بن علی - کتاب خلاف - کتاب الجنایات  
ص ۳۴۵ مطبعه تابان طهران ۱۳۸۲ هـ . ق  
۱۶- همان - ص ۳۴۵  
۱۷- به نقل از مرعشی - سید محمد حسن - دیدگاههای  
نو در حقوق کیفری اسلامی - نشریه میزان - ۷۶